

قرآن پیامی تاریخمند یا فراتاریخی

احمد ترابی

آنگاه که آخرین بعثت آسمانی بر صخره‌های سخت حراء جوانه زد، کسی از راهگذاران زمین، گمان نمی‌برد که روزی چنان ببالد که سرشاخه‌های تناور آن، تمدن‌های بزرگ روزگارش را درنوردد. مردی تنها و درس ناخوانده، در سرزمینی که برای فرمانروایان زمین ارزش تاخت و تاز و تسخیر نداشت، حامل پیامی شده بود که می‌بایست آن را تا اعماق تاریخ ماندگاری انسان بر کره خاک استمرار دهد و بر بلندای همه اندیشه‌ها و ژرفکاو‌ها و داعیه‌ها و داعیه‌داران فراز آورد.

اکنون او با پای پیاده، نیمی از راه را پیموده است.

سرزمین خشک و طمع‌سوز دیروز او به یکی از مهم‌ترین مطامع قدرتهای مادی جهان تبدیل شده است و می‌تواند در روزگار معاصر نقشی بایسته در شرایط اقتصادی جهان و به تبع در سایر زمینه‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی و سیاسی ایفا کند! که البته نمی‌کند!

از این نکته بگذریم! چرا که نگاه ما در این نوشته به خاک و ذخائر خاکی و به توانها و سلطه‌های مادی نیست، هر چند نادیده گرفتن این ابعاد نیز درست نخواهد بود!

به هر حال، پیام آسمانی او نیز بیشترین هجمه فرهنگی و تبلیغاتی قدرتهای معاصر را نیز به خود معطوف داشته است! و این حکایت از کارسازی و تأثیرگذاری آن در صحنه‌های فکری و اندیشه‌ای جهان معاصر دارد.

صاحبان سرمایه و سرمایه‌داران متکی به تجربه و تکنولوژی، آنقدرها حسابگر هستند که توان و امکانات خود را هدر ندهند.

صرف امکانات گسترده تبلیغاتی - فرهنگی و نظامی برای مهار کردن اندیشه اسلامی، به انحراف کشاندن آن و ناکارآمد ساختن آن در صحنه جهانی، خود حکایت از نفوذ و تأثیرگذاری آن بر اندیشه‌ها و احساس خطر کسانی دارد که منافع خویش را مورد تهدید می‌یابند.

این همه حکایت از آن دارد که بعثت آسمانی حراء، در ظرف زمینی و زمان خود محدود نمانده است، هم از حجاز به اقصی نقاط جهان سفر کرده و هم از مخاطبان بسیط و صورتگرا و زمخت دیروز به جویندگان و پژوهشگران ژرف‌اندیش و ریزنگر و متعمق امروز رسیده است. هر چند نمی‌توان نادیده گرفت که در گذشته نیز ژرفکاو‌ها حضور داشته‌اند و در عصر حاضر نیز ظاهرگرایان و جموداندیشان و نمادورزان بسیاری حضور دارند.

بعثت آسمانی حراء، نیمی از راه را پیموده است و پیش‌بینی کرده است که تمامی راه را خواهد پیمود و علی‌رغم بدخواهی‌ها و بداندیشی‌ها و دسیسه‌ها که از سوی مستکبران و حق‌ستیزان علیه او به کارگرفته شده و خواهد شد، او بر ستیغ استواری خواهد ایستاد و بر همه باورها و اندیشه‌ها و مکتب‌ها - نه تنها در کتاب‌ها و کتابخانه‌ها، که در صحنه زندگی بشر - برتری خواهد یافت.

اما به هر حال نیمی از راه باقی مانده است و پیمودن راه باقی‌مانده، منوط به آن است که قرآن به نیازهای انسان معاصر و عصرهای آینده پاسخگو باشد و مسائل و شرایط زمان را بشناسد و در برابر هر پرسش و مسأله، پاسخی شفاف، عینی و مفید داشته باشد.

در این‌جاست که ده‌ها و صدها پرسش سربرمی‌آورد. - بعضی جستجوگرانه و برخی منکرانه - از آن جمله این که آیا براستی می‌توان با طرحی ثابت، مجموعه‌ای متحول را سازماندهی و مدیریت کرد؟ آیا می‌توان با اصولی از پیش تعیین شده، شرایطی نیامده را سامان داد؟ آیا می‌توان با نگاهی تاریخی و عصری به مسائل یک زمان و یک جامعه، رهنمودی برای همه اعصار تاریخی داشت؟ نقش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در تلقی وحی و انتقال آن به مردم عصر خود چگونه بوده است، آیا او مفاهیم و الفاظ را از طریق وحی دریافت می‌کرده است یا معانی را دریافت کرده و آن‌ها را در قالب الفاظ و اصطلاحات و ظرفیت‌های فرهنگ مردم معاصرش ارائه می‌داشته است؟ ثابت‌ها و متغیرها کدامند، گوهر و صدف کدام است، کدام بخش از پیام‌ها، احکام اجتهادپذیر و انعطاف‌پذیرند و کدام یک ثابت و تغییرناپذیرند. چه مقدار از پیام‌های قرآن در ظاهر و نصّ آیات آمده است و چه مقدار از آن در لایه‌های معنایی و بطون آن نهفته است و ... این‌ها و ده‌ها سؤال دیگر، این دغدغه را در دل دارد که آیا براستی قرآن کتابی تاریخمند است یا فراتاریخی، نسخه‌ای برای یک نسل است یا نسل‌های متمادی، اگر پیامی جاودان است چرا بخشی از پیام‌های آن بر فهم انسان معاصر سنگینی می‌کند، آیا برنامه‌ای کامل و نهایی است، چرا جوامع اسلامی از کمال لازم برخوردار نشده‌اند؟ اگر سرّ عقب‌ماندگی علمی، اجتماعی، فرهنگی و ... جوامع مسلمان در نفهمیدن قرآن و یا عمل نکردن به آن است، راه فهم درست قرآن و تحقق عینی آن در جامعه انسانی چیست؟ چگونه شده است که طی چهارده قرن، مسلمانان به فهم درست قرآن و یا راهکارهای تحقق آرمانی، اهداف و برنامه‌های فردی و اجتماعی آن به شکل قابل قبول دست نیافته‌اند؟ و ...

بخشی از این پرسش‌ها به مباحث نظری مربوط می‌شود که پاسخ آن نیز نظری و استدلالی خواهد بود. ولی بخش‌هایی از این مسائل نیز به ساحت عمل، عینیت و نتیجه بازمی‌گردد که معتقدان به وحی قرآنی و اندیشمندان اسلامی مسئولیت دارند، این نیاز را پاسخگو باشند.

در جهان معاصر، تلاش و اهتمام اندیشمندان مسلمان به شناسایی راهکارهای تحقق آرمانها و اهداف ارزشی اسلام برای ساختن جامعه برتر انسانی و اخلاقی، وظیفه‌ای مهم‌تر و ضروری‌تر از دفاع نظری از باورهای اسلامی و یا اجرای حدود الهی است؛ زیرا دفاع نظری از مبانی دینی و نیز اجرای حدود اسلامی در عصر حاضر، چنانچه به تحقق عینی جامعه برتر و نظام اجتماعی در روابط و مناسبات مطلوب انسانی منتهی نشود، این حرکت در نیمه راه خواهد ماند و به کندی و با دشواری بقای خود را حفظ خواهد کرد، در حالی که انتظار در عصر حاضر فراتر از این است.

باید خلأها را شناسایی کرد و راهکارها و روش‌های موردنیاز عصر حاضر را شناخت و به کار گرفت.